

انطباق سنجی آموزه قرآنی «إِحْدَى الْحَسَنِيِّينَ» بر نگرش دوگانه معنوی به بیماری مبتنی بر دیدگاه اهل بیت

محمد مصطفی اسعدی

چکیده

قرآن کریم برای جهاد مؤمنان در جبهه حق، فرجامی دوگانه تعریف می‌کند که یا منتهی به پیروزی یا منتهی به شهادت است و این دو را با عنوان «یکی از دو نیکی» بیان می‌کند تا هیچ نگاه منفی به این شرایط سخت وجود نداشته باشد. پرسش مشخص در پژوهش حاضر این است که بر اساس دیدگاه اهل بیت، آیا می‌توان ایده قرآنی مذکور در تعریف فرجام شناور دوگانه نیک را (فارغ از مصداق دو نیکی در فرجام جهاد) به وضعیت بیماری برای بیمار تسری و انطباق داد؟ بر اساس یافته‌های پژوهش به روش تحلیلی-تطبیقی، اهل بیت دو نوع نیکی دوگانه در دو وضعیت بیماری منتهی به سلامت و بیماری منتهی به مرگ (به قید مؤمن بودن) تعریف کرده‌اند: در نوع اول، نیکی افزایش درجات مؤمن یا نیکی زدایش گناهان مؤمن تعریف می‌شود. در نوع دوم نیز دوگانه نیکی در مرگ با رهایی از درد و رنج دنیا یا نیکی در مرگ با پاک‌سازی از گناهان تصویر می‌شود. در نتیجه مشخص گردید معارف دینی، نگاه بیمار مؤمن را تحت هر شرایطی به آینده خود روشن می‌سازد و هرگونه منفی‌نگری را نسبت به آینده، مرتفع می‌سازد. همچنین آثار معنوی بیماری در نگره مؤمنانه، شمول حداکثری در جامعه ایمانی می‌یابند؛ نه این که صرفاً مؤمنانی که مقامی والا دارند، بدان دست یابند.

کلیدواژه‌ها: دین و سلامت، احدی الحسنیین، بیماری و نگرش دینی، قرآن و بیماری، اهل بیت و بیماری

مقدمه

قرآن کریم که مصدر مولد فرهنگ اسلامی است، نظام جامعی از بینش و منش مبتنی بر ایمان توحیدی را به بشریت عرضه کرده است. این منبع وحیانی شرایط مختلف حیات انسانی را در تمام ادوار تاریخی در نظر دارد و مبتنی بر همان شرایط، نوع نگاه و رفتار انسان را مدیریت می‌کند تا حیات دنیوی در سالم‌ترین وضعیت سپری شود و حیات اخروی او نیز به نقطه سعادت ابدی منتهی گردد.

از دیگر سو می‌دانیم رسول خدا (ص) در حدیث تقلین اهل بیت به‌عنوان یکی از دو وزنه‌ای معرفی شده‌اند که تمسک به ایشان در کنار قرآن کریم، ضامن صیانت از گمراهی معرفی شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۴۱۵). اهل بیت که به صراحت خود را «تِرَاجِمِهِ لَوْحِيَّه» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۹۷) یا «تِرَاجِمِهِ وَحَى اللّٰه» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۱۹۲) معرفی کرده‌اند، مرجع اصیل فهم و درک صحیح کتاب وحی به‌شمار می‌روند. ایشان تنها شخصیت‌هایی هستند که در تاریخ اسلام و پس از آن در تمامی ادوار تاریخ بشریت، قرآن کریم را بر مبنای علم لدنی و الهی تبیین و تفسیر می‌کردند.

یکی از آموزه‌های هدفمند قرآن در عرصه نظامی که هم نوعی نگاه امیدآفرین نسبت به آینده برای نظامیان تعریف می‌کند و هم شرایط مختلف جنگی را پوشش می‌دهد، اصطلاح «إِحْدَى الْحُسَيْنِيَيْن» (یکی از دو نیکی) است. کتاب وحی تنها در یک مقطع این ایده را مطرح می‌کند و پس از نقد رفتارها و گفتارهای منافقان در نگاه منفی به رزمندگان و مجاهدان راه خدا، می‌فرماید: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيَيْن»: «بگو آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟» (توبه / ۵۲) از نگاه قرآن، مؤمنان در میدان جهاد هیچ بن‌بست و نهایت نامطلوبی ندارند. جهاد نظامی برای مؤمن، یا منتهی به شهادت است که سعادت ابدی و افتخار دائمی (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۲۷۲) است یا منتهی به پیروزی می‌شود که باز هم نقطه

افتخار، عزت و سربلندی است. با این نوع نگاه، بینش رزمنده جهادگر به آینده با مخاطره همراه نیست بلکه او هر احتمالی را برای خود و جبهه خودی، مثبت تلقی می‌کند و نقطه تاریکی برای فرجام نبرد مقدس در نظر ندارد.

به هر روی، پرسش مشخص در پژوهش حاضر این است که بر اساس دیدگاه‌ها، بیانات و آموزه‌های اهل بیت، آیا می‌توان ایده قرآنی مذکور را بدون لحاظ مصادیق دو نیکی و صرفاً در قالب نیکی دوگانه شناور، به وضعیت بیماری برای بیمار تسری و انطباق داد؟ به دیگر سخن، آیا می‌توان پذیرفت که بیمار هم در شرایط ناخواسته بیماری، دو سرانجام مثبت را همسو با همان دو نیکی قرآنی، در بینش خود در نظر داشته باشد تا نوع نگاه وی نسبت به فرجام بیماری خود، تحت هر شرایطی مثبت باشد؟

باید توجه داشت که این مسئله با یک معضل مواجه است. اگر قرآن کریم در نگاه ابدی به حیات انسانی، شهادت را ارزشمند لحاظ می‌کند، در وضعیت بیماری و مواجهه بیمار با خطر جانی، به هیچ عنوان، مرگ یک نقطه مطلوب انگاشته نمی‌شود و بازیابی سلامت بیمار، تحت هر شرایطی اولویت دارد. به هر روی باید ابعاد مختلف مسئله بررسی گردد تا صحت یا عدم صحت این انطباق با وجود آن دو مشابهت پذیرفته یا مردود انگاشته شود.

ضرورت یافتن پاسخ مسئله در بعد کلی، ناظر به ضرورت فهم همه‌جانبه آموزه‌های دینی و معارف اسلامی در راستای دستیابی به سبک زندگی سلامت‌محور در همه ابعاد است. در بعد جزئی نیز ضرورت این مسئله ناظر به تعریف و تحدید بینش و نگرشی مطلوب است که بهترین وضعیت روحی و روانی را برای بیماران در وضعیت دردناک بیماری فراهم آورد زیرا می‌دانیم بیمار در صورتی که با روحیه مثبت و امیدوارانه با بیماری مواجه شود، سرعت بهبودی نیز افزایش می‌یابد. پیش از این، پژوهشی منطبق با مسئله حاضر یافت نگردید.



در مقاله «لذت بیماری در پرتو حکمت بیماری از منظر صحیفه سجادیه»^۱ به نگاه یکی از متون نیایشی دینی در درک حکمت الهی بیماری، پذیرش بیماری و شکرگذاری نسبت به بیماری مطرح گردیده که فارغ از مسئله قرآنی حاضر است. در پژوهشی دیگر با عنوان «نگاهی به حکمت‌های بیماری در انسان از دیدگاه برخی احادیث»^۲ مسائلی مانند پالایش نفس، نزدیکی به خداوند، کیفر تبهکاران و پاداش مؤمنان مورد توجه قرار گرفته است که باز هم، با ایده پژوهش حاضر، متفاوت است؛ هر چند برخی روایات همسو در این پژوهش نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیش‌فرض در پژوهش حاضر آن است که در شرایطی که بیمار، دارای بینشی الهی باشد، بیماری بسترساز امتیازات و داشته‌هایی معنوی است که ناظر به شرایط مختلف وی، متفاوت خواهند بود. به هر روی این پژوهش به روش تحلیلی، گزاره‌های و حیانی و روایی را خواهد سنجید تا میزان تطابق این پیش‌فرض با حقیقت امر را بررسی و آشکار بسازد و بتواند ذهنیت و معرفتی دقیق و عمیق نسبت به این شرایط برای بیماران و کادر درمان در مواجهه با بیماران ارائه کند.

کلی، ایمان و باور توحیدی شخص است که بدون آن تمامی این موارد، پوچ خواهد بود. همچنان که قرآن در بیان تمایز درد و رنج ناشی از جهاد میان جامعه ایمانی و غیرایمانی، این بیان دقیق را می‌فرماید: «اگر شما درد و رنج می‌کشید، آنها (دشمن) نیز همانند شما درد و رنج می‌کشند ولی شما امیدی به خدا دارید که آنها ندارند» (نساء / ۱۰۴). بنابراین درد بین‌المللی جامعه بشری، تنها زمانی متفاوت می‌شود که باور توحیدی و نقطه اتکالی الهی در آن جانمایی شود و گرنه تمایزی بین دردمندی مسلمان و غیرمسلمان نخواهد بود. از دیگر سو، بی‌دینی و بی‌ایمانی، درد و رنج ناشی از این شرایط را از بین نمی‌برد تا کسی گمان کند که اگر دنیا طلب شد یا از مسئولیت دین‌داری و ایمان، گریزان بود، از تحمل سختی‌ها و دردها رها می‌گردد. به هر روی برای تبیین روشن این موضوع باید دو وضعیت عمده در شرایط بیماری را مورد کنکاش قرار داد که بیماری منتهی به درمان و سلامت و نیز بیماری منتهی به مرگ است تا آن‌گاه بتوان نیکی دوگانه را در این دو وضعیت به‌درستی تبیین کرد.

نخست: نیکی دوگانه در بیماری منتهی به سلامت

به صورت طبیعی، بسیاری از بیماری‌ها رو به بهبودی می‌روند و بیمار پس از گذراندن دوره نقاهت، سلامتش را باز می‌یابد. فرهنگ اسلامی در وهله نخست، بیماری را امری نامطلوب می‌داند و سلامت حداکثری جامعه را نقطه مطلوب تصویر می‌کند (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۲۳). به همین دلیل پیشوایان دین، پنهان‌سازی بیماری از طبیب را ناهنجار قلمداد می‌کنند و می‌فرمایند: «هرکس بیماری‌اش را از طبیبان کتمان کند، به بدن خود خیانت کرده است» (لیثی، ۱۳۷۶: ۴۵۰). بر این اساس مطلوب‌انگاری بیماری در نگاه دین مردود دانسته می‌شود. با این حال، فرهنگ دینی همان دوره مقطعی بیماری را مبتنی بر ایمان، هدف‌مند دیده و برای آن کارکرد مشخصی

یافته‌ها

واکاوی آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت به عنوان دو ضلع متکامل فرهنگ دینی، آشکار می‌سازد که بیماری مبتنی بر ایمان می‌تواند دو نیکی را برای شخص بیمار به دنبال داشته باشد. این دو نیکی هر چند در مصداق، صددرصد منطبق بر ثمرات قرآنی جهاد نظامی نیستند اما در ترسیم وضعیت مثبت از شرایط دردآور بیماری، با شرایط رنج‌آور جهاد یکسان هستند. خاستگاه و ریشه تمامی این نقاط مثبت امیدآفرین به صورت

۱. محمد رضا یکتایی، دانشور پزشکی، ۱۳۹۰، دوره ۱۸، شماره ۹۲، صفحات ۳۵-۴۲.

۲. سعیده موسوی و رسول محمدجعفری، دین و سلامت، دوره ۱۰، شماره ۲، سال ۱۴۰۱، صفحات ۶۶-۷۷.

بیان کرده است. بررسی بیانات متعدد معصومان به صورت کلی دو بعد مثبت دوره بیماری را برای بیمار آشکار ساخته‌اند:

۱. نیکی افزایش درجات مؤمن

قرآن کریم در بیانی روشنگرانه به فلسفه فرامادی شرور و آسیب‌ها در حیات دنیوی انسان می‌پردازد و می‌فرماید: «وَلِيَبْلُوَنَكُمْ بَشِيئَةَ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ». «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم» (بقره / ۱۵۵). برخی از مفسران مصداق «نقص انفس» که در آیه شریفه بیان شده است را مرگ یا کشته‌شدن در جنگ‌ها دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۳۶) اما برخی نیز در نگاهی وسیع‌تر، مصداق آن را بیماری، پیری و مرگ بیان کرده‌اند (میبدی، ۱۳۷۱: ۱ / ۴۱۸). بر اساس تفسیر دوم، بشارت به صبر که در انتهای آیه بیان شده است شامل شخص بیمار می‌شود و بر همین مبنا، صلوات از پروردگار و رحمت که در آیات بعد بیان می‌شود، بهره معنوی بیمار از دوران بیماری خواهد بود. یعنی بیمار به قید صبر، از درد و رنج و بیماری خود، یک نیکی بزرگ به‌دست می‌آورد و درجات معنوی خود را می‌افزاید.

در تبیینی روشن‌تر، معصومان بیماری را به عنوان عاملی برای افزایش درجه معنوی مؤمن لحاظ کرده‌اند. مانند برخی روایات که در آنها، تصریح به ثواب برای بیماری دیده می‌شود. عبدالله بن مسعود از رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند: «از جزع مؤمن به هنگام بیماری تعجب می‌کنم! اگر او می‌دانست که خداوند چه ثوابی در بیماری در نظر گرفته، دوست می‌داشت که تا پایان عمر بیمار بماند!» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۰۱). این بیان نه به معنی ارزش‌انگاری بیماری بلکه به معنی ارزش‌گذاری صبر در شداید دنیا است که همواره از جانب معصومان توصیه شده است.

فراتر از موضوع پاداش، برخی بیانات معصومان این بعد معنوی را (مقید به صبر)، به مسئله جهاد و شهادت متصل

ساخته‌اند. امام صادق (ع) پس از توصیه به استغفار در هنگام بیماری عبدالله بن سنان فرمود: «هریک از شیعیان ما مبتلا به گرفتاری شود یا بیمار گردد و صبر کند، خداوند به او پاداش هزار شهید می‌دهد» (ابن بسطام، ۱۷). همین نوید پرارزش را امام رضا (ع) به هنگام بیماری محمد بن فضیل به وی اعلام فرمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۲۱). پاداش سنگین‌تر و بزرگ‌تر در این بیان می‌تواند ناظر به تعبیر «شیعیان» باشد که این گونه از بیمار را از عموم بیماران یا بیماران مسلمان یا حتی بیمارانی که محب اهل بیت هستند، متمایز ساخته و آن را مختص بیمارانی می‌داند که پیرو اهل بیت باشند و هم‌سویی حداکثری با اوامر و نواهی ایشان داشته باشند. پس دردمندی در این بعد، بیمار را به مقامی معنوی می‌رساند که او را از درد تهی و رنج‌محور، به درد ارج‌محور و فضیلت‌بخش می‌رساند. به هر روی، اجر شهید که در کلام معصوم بیان شده، موضوع قابل توجهی است که دردمندی و بیماری شخص شیعه را همسو با همان ایده نخست بحث، یعنی همانندی مسئله با موضوع جهاد و شهادت روشن می‌سازد.

البته باید توجه داشت که این نیکی در فرهنگ عمیق اسلامی، علاوه بر ایمان، قیود و شروط رفتاری نیز دارد که به مسائلی مانند تاب‌آوری و بردباری شخص ارتباط یافته است. چنان که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «هرکس یک شب بیمار شود و در آن بیماری، نزد کسی گلايه و شکایت نکند، خداوند برای او عبادت شصت سال می‌نویسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳ / ۱۱۵). همان امام در مقطعی دیگر، شکایت از بیماری را این گونه تعریف می‌کند: «شکایت به این نیست که فردی بگوید دیروز بیمار شدم یا تب کردم. شکایت به آن است که بگوید: به دردی مبتلا شدم که هیچ‌کس مثل آن مبتلا نشده است» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۵۳). بر این اساس، بزرگ‌نمایی و اغراق نسبت به بیماری خود در مواجهه با سایرین که نشان‌گر تاب‌نیابردن شخص است، مانع از دسترسی به این نیکی

شمرده می‌شود.

۲. نیکی زدایش گناهان مؤمن

آموزه‌های دینی در ترسیم یکی از برکات جهاد و شهادت‌طلبی به موضوعی فارغ از شهادت اشاره دارند. در شرایطی که رزمنده مجاهد در جهاد شرکت نکند و شهید هم نشود، برخی کارکردهای معنوی برای وی محفوظ است که یکی از آنها زدایش گناهان وی است. رسول خدا (ص) به شخصی که متمایل به شرکت در جهاد بود، فرمودند: «... اگر از جهاد به سلامت بازگردی، از گناهانت خارج می‌شوی چنان فردی که تازه متولد شده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۶۱). روایات دیگر نیز بر نحو هفتاد هزار گناه از مجاهد تأکید دارند (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۵ / ۱۹). یعنی فقط شهادت نیست که زداینده گناهان شهید است بلکه حضور در جهاد و تحمیل مرارت و زحمات آن بدون شهادت نیز این خاصیت را دارا است.

کارکرد و نیکی معنوی فوق، طبق دیدگاه اهل‌بیت در سطحی نازل و محدودتر برای بیمار مؤمن نیز جاری است. اگر بیماری برای شخص مؤمن، بعد افزایشی در مقامات معنوی نداشته باشد، فرهنگ دینی بعد دومی هم ترسیم می‌کند که ناظر به نقاط منفی در اعمال پیشین او است. درد مقطعی بیماری برای بیمار، کفاره گناهان وی خواهند بود. جالب آن که از این نیکی در ادبیات معصومان با عنوان «بشارت» و خبر خوش تعبیر شده است تا مثبت‌اندیشی و نگرش مثبت نسبت به آن به صورت روشن بیان گردد. رسول خدا (ص) پس از عیادت از یکی از یاران خود، به وی فرمود: «بشارت باد بر تو که خداوند می‌فرماید: تب آتش من است که آن را بر بنده مؤمن خود مسلط می‌کنم تا نصیبش از آتش دوزخ باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸ / ۲۵۰) تعبیر «دوزخ» در این روایت، به روشنی نسبت دردمندی را با گناهان مؤمن بیمار مشخص ساخته است.

نکته قابل توجه آن که در نگاه معنوی، حتی طول دوره بیماری نیز به همین موضوع ارتباط یافته است. محمدبن‌سنان

از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند: «بیماری برای مؤمن، مایه تطهیر و پاکیزگی است و ... همانا مرض همراه مؤمن است تا زمانی که گناهی برای او باقی نماند» (ابن بابویه، ۱۹۳). این بیان به روشنی می‌فهماند که نیکی دوم، ناظر به مؤمن خطاکاری است که بیماری جبران گناهانش محسوب می‌گردد. گاهی نیز دوره بیماری و دوره گناه هم در نسبت با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. چنان که امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «یک شب تب، کفاره یک سال است...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۱۹۳)؛ تعبیر «کفاره»، به روشنی جنبه جبران‌گری درد و بیماری را برای بیمار مؤمن آشکار می‌سازد.

در این بخش اما مسئله بحث آن است که در برخی تعابیر قرآن و اهل‌بیت، تمام بیماری‌ها به صورت مطلق، این گونه توصیف شده‌اند که علت آنها گناهان انسان است. برای نمونه در برخی روایات می‌خوانیم: «هیچ بیماری نیست مگر این که ناشی از گناه است و آن چه خداوند می‌بخشد بیشتر است» (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ق: ۳۴۰). قرآن همین اطلاق را البته با واژه مصیبت بیان می‌کند و می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما رسد به دلیل اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند» (شوری / ۳۰). مفسران واژه مصیبت را هرگونه بلای جانی یا مالی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۴۷) که شامل بیماری نیز می‌گردد. علاوه بر این برخی روایات به صراحت، جنبه پاداشی بیماری را که نیکی پیشین بود، مردود می‌انگارند. برای نمونه امام علی (ع) به فردی که بیمار شده بود و توان حضور در جهاد را نداشت، فرمودند: «... همانا بیماری اجری ندارد اما همه گناهان بنده را از بین می‌برد» (نصرین‌مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۵۲۹).

در تحلیل این دست از آیات، روایات و گزاره‌های تاریخی، باید به دو نکته توجه کرد: اول آن که مطلق‌انگاری بیماری در زدایش گناهان می‌تواند به دلیل التفات به مخاطب خاص یا گروه خاص باشد؛ همان‌گونه که مخاطب امام در نمونه مذکور،

فرد خاصی بود و چون آن شخص، مؤمن خطاکاری بود، جنبه نخست از نیکی را در مورد وی و امثال وی مردود دانسته‌اند. بدین معنا که در مورد این‌گونه مؤمنان، بیماری بهره‌ای معنوی ندارد اما نیکی دوم را دارد که می‌تواند گناه مؤمن گنهکار را بزدايد و نقش كفاره را ایفا کند.

اما نکته دقیق‌تر آن که امام در این بیان، بین اصل بیماری و فرد بیمار تفکیک قائل شد و ارزش معنوی در نیکی پیشین را ریشه‌یابی کرد و آن را مرتبط با جایگاه معنوی بیمار دانست؛ نه این که بهره معنوی، ارتباطی به اصل بیماری داشته باشد. یعنی اگر مؤمن پیرو اهل بیت، از بیماری اجر شهید دارد، ربطی به بیماری ندارد و بیماری، اجری ندارد تا برای کسی مطلوب انگاشته شود بلکه این بهره، مربوط به مرام و منشی است که ایجاد می‌کند و به همین دلیل، اکنون بیماری وی، مانع از پیمایش مقام معنوی و درجات متعالی نیست. بنابراین در برخی احادیث می‌خوانیم که فارغ از بعد گناه‌زدایی بیماری، خداوند ثواب همان اعمال نیکی که فرد قبل از بیماری انجام می‌داده را در وضعیت بیماری به وی می‌بخشد. چنان‌که رسول خدا (ص) فرمودند: «هنگامی که مسلمانی بیمار می‌گردد، خداوند ثوابی مانند بهترین اعمالی که او در سلامت انجام می‌داد، برایش می‌نویسد و گناهان او فرومی‌ریزد...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۹۴). ایشان در بیانی دیگر می‌فرماید: «... خداوند به فرشته‌ای امر می‌فرماید که فضیلتی را که بیمار در زمان صحت خود انجام می‌داده، در زمان بیماری برایش بنویسد...» (همان: ۱۹۳). بنابراین سیر صعودی مقام معنوی مؤمن در بیماری وی، این ظرفیت را فراهم می‌کند، نه این که خاصیت ذاتی بیماری باشد و بیماری به خودی خود، مطلوب انگاشته شود.

دوم: نیکی دوگانه در بیماری منتهی به مرگ

ضلع دوم بحث، ناظر به شرایطی است که بیماری مؤمن

به درمان منتهی نمی‌شود و او را به سرانجام مرگ می‌رساند. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد مسئله بحث ناظر به همین شرایط بود که در وضعیت مطلوب در سرانجام بیماری، هیچ‌گاه مرگ بیمار ترسیم نمی‌شود؛ در حالی در میدان نبرد، شهادت، نقطه مطلوبی برای رزمنده شهادت طلب ترسیم می‌شود. حال باید نگاه دینی به بیماری منجر به مرگ تحلیل شود تا روشن شود که چگونه می‌توان دوگانه نیکی را در این وضعیت، ترسیم کرد.

۱. نیکی در مرگ با رهایی از درد و رنج دنیا

یک جنبه از نیکی شهادت در نگاه فرادنیوی، رهایی از رنج‌های دنیا است. روز عاشورا در میانه کارزار، امام حسین علیه‌السلام بعد از شهادت حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام، بر بالین او رفتند و به وی فرمودند: «فرزندم تو از رنج و اندوه دنیا آسوده شدی و به روح و ریحان رسیدی و پدرت هنوز در دنیا است و چه زود است که به تو پیوندم...» (طریحی، ۲۰۰۷م: ۴۳۸) بنابراین فارغ از جایگاه و پاداش اخروی شهید، رهاشدن از رنج‌های دنیا موضوع مجزا و مستقلی است که به خودی خود قابل توجه است. البته در نگاه اهل بیت این موضوع اختصاصی به شخص شهید ندارد و در رویکردی عام، ناظر به هر مؤمنی ترسیم شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مؤمن هیچ‌گاه به حقیقت راحتی نخواهد رسید، مگر هنگام لقای خداوند...» (امام صادق (ع)، ۱۴۰۰ق: ۱۱۵).

نگاه دقیق به معارف دینی این نکته را رهنمون می‌شود که این شرایط نیز مانند شهادت مجاهد می‌تواند در شرایط خاصی به‌عنوان یک نیکی لحاظ شود؛ هرچند این موضوع نیز وابسته خاص خود را دارد؛ بدین معنا که برخی بیماران با مرگ می‌توانند از این نیکی برخوردار شوند نه تمامی بیماران. امام رضا (ع) به عیادت یکی از یاران خود تشریف بردند و حال وی را جویا شدند. آن بیمار با اشاره به شدت بیماری اعلام کرد که مرگ را به چشم می‌بیند. امام به وی فرمود: «آن را چگونه

جدا می‌شود...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۸۴).

در سطحی نازل‌تر از همین نیکی، مرگ بیمار در انتهای فرایند دردمندی، به عنوان نقطه تکمیل پاک‌سازی وی از گناهان او نیز می‌تواند شمرده شود. توجه به یک نمونه تاریخی از بیانات اهل‌بیت این موضوع را روشن می‌سازد. امام هادی (ع) به عیادت یکی از یاران بیمار خود رفت و وی را در حال گریستن مشاهده کرد و به وی فرمود: «ای بنده خدا، تو از مرگ به دلیل آن که حقیقت آن را نمی‌شناسی بیمناکی. وقتی که بدنت چرکین و آلوده باشد و از فراوانی کثافات ناراحت باشی و به زخم و بیماری واگیر مبتلا شوی چه می‌کنی؟ در حالی که می‌دانی شستشوی در حمام تمام آنها را برطرف می‌کند. آیا نمی‌خواهی وارد حمام شوی و همه پلیدی‌ها را از تنت بشویی؟ یا این که ناراضی خواهی بود که وارد حمام شوی و همه آنها در بدنت بماند؟» آن‌گاه پس از تأیید وی فرمود: «آن حمام، همان مرگ است و آخرین چیزی است که تو را از گناهانت خلاص می‌کند و از بدی‌ها پاک می‌سازد و چون بر تو مرگ وارد شود و قرین آن گردی از هر غم و اندوه و رنجی نجات می‌یابی و به شادی خواهی رسید». بیمار با شنیدن سخنان اثربخش امام، آرام گرفت و به آسانی جان سپرد (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۹۰). این گزاره تاریخی، همسان با گزاره بخش پیشین از موضوع مرگ بیمار سخن می‌گوید؛ با این تفاوت که اینجا مسئله پاک‌شدن از گناهان مطرح است و این موضوع، به عنوان یکی از کارکردهای مرگ مؤمنانه بیمار شمرده شده است.

نکته پایانی آن که نیکی دوگانه شناور برای شرایط بیماری مؤمن، قطعاً به معنای بیماری خواهی یا بیماری طلبی انگاشته نمی‌شود. زیرا اولاً این موضوع در کنار توصیه‌های فراوان اهل‌بیت به حفظ الصحه و پرهیز از موجبات بیماری‌ها در نظر گرفته می‌شود و ثانیاً فرهنگ دینی و قرآن کریم، جان انسان را ملک انسان نمی‌داند و اساساً به انسان مؤمن اجازه نمی‌دهد که آن را به مهلکه بیفکند (بقره / ۱۹۵).

یافتی؟» عرض کرد: «بسیار سخت و دردناک.» امام در این لحظه فرمود: «تو مرگ را ندیده‌ای بلکه چیزی دیده‌ای که تو را ترسانده است و بعضی احوالات مرگ را به تو می‌فهماند. برخی از مردم با مرگ راحت می‌شوند ولی بعضی از مردم، دیگران با مرگ او راحت می‌شوند. پس ایمان خود را به خدا و به ولایت تجدید نما تا از گروه اول باشی و با مرگ به راحتی و آسایش برسی» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۸۹). پس مرگ بیمار در شرایط ایمانی و ولایی خاص، مصداق این نیایش معصومان است که می‌فرمایند: «... خدایا مرگ مرا راحت‌شدن من از تمام شرور قرار بده» (کفعمی، ۱۴۰۵: ۱۱۹).

بنابراین اگر درد و بیماری، یکی از شرور دنیا است، مرگ بیمار مؤمن ولایت‌مدار، مصداق خلاصی از این رنج است و این یک نیکی، در سطحی نازل، همسو با شهادت شهیدی است که از تمام درد و رنج دنیا به مقام والایی «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹) می‌رسد. بنابراین بیمار مؤمنی که مرگ را پیش روی خود دارد، می‌تواند به صورت مشروط، یک نیکی ابدی بزرگ را پیش روی خود ببیند و مرگ در این وضعیت را نقطه سیاه و نامطلوبی نداند زیرا تعبیر راحتی و رهایی که معصوم آن را برای شهید بیان فرموده (استرحت)، همان را برای مرگ مؤمن هم بیان فرموده است (لا راحه لمؤمن ...). هرچند مراتب و درجات این راحتی قطعاً متفاوت است اما کلیت موضوع یکسان است.

۲. نیکی در مرگ با پاک‌سازی از گناهان

می‌دانیم ذیل نیکی دوم جهاد و در بیان فضیلت شهید، معصومان یکی از کارکردهای مرگ با شهادت را ناظر به پاک‌شدن او از گناهان برشمردند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «هرکس در راه خدا به شهادت برسد، خداوند هیچ‌کدام از گناهان او را به او نمی‌نمایاند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۴). فراتر از این، رسول خدا (ص) فرمود: «... زمانی که مجاهد برای شرکت در جهاد با خانواده خود وداع می‌کند، از گناهان خود خارج می‌شود؛ همان‌گونه که مار از پوست خود



نتیجه دیگر آن که هرچه درجه و جایگاه ایمانی فرد بیمار بالاتر باشد، این ظرفیت فراهم است که بهره معنوی او از بیماری نیز افزایش پیدا کند. در واقع آموزه‌های دین، هم کارکرد حداقلی برای بیماری مؤمن تعریف کرده‌اند و هم کارکرد حداکثری آن را لحاظ می‌دارند. لذا هم مؤمن‌الامقام با درجات بالای ایمان از بیماری اجر می‌برد و هم مؤمن‌گنجهکار از دردمندی در این وضعیت، بی‌بهره نمی‌ماند و گناهانش زدوده می‌شود. بنابراین آثار معنوی بیماری در نگره مؤمنانه، شمول حداکثری در جامعه ایمانی می‌یابد؛ نه این که منحصر به قشر خاصی گردد. هرچند مرجع تشخیص این موضوع، دیگران و اطرافیان نیستند که بخواهند مؤمن بیماری را به گناهی قضاوت یا متهم کنند بلکه بیمار، خود می‌تواند با لحاظ اعمال و احوال و پیشینه رفتاری خویش، آن را تشخیص بدهد.

بر اساس آنچه پیش رفت، در انطباق میان ایده قرآنی «إحدى الحسنيين» با وضعیت بیماری بیمار، دو نیکی در دو بعد و هر بعد در دو جهت قابل تصویر است:

نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته در آموزه‌های دینی اعم از وحیانی، روایی و تاریخی، بیماری در بستر زیست ایمانی، وضعیت دوگانه مثبتی را برای فرد مؤمن فراهم می‌سازد که نگاه بیمار را تحت هر شرایطی به آینده خود روشن می‌سازد و هرگونه منفی‌نگری را نسبت به آینده خود، مرتفع می‌سازد. در این موضوع، تفاوتی میان بیماری منتهی به سلامت و بیماری منتهی به مرگ نیست و احتمال وقوع مرگ بیمار نیز مانع مثبت‌نگری ایمانی برای وی نمی‌شود.

References

1. Holy Quran
2. Ebna Baſtam, Abdullah and Hossein, Teb al-Aemmeh, Qom, Dar al-Sharif al-Razi, 1411 AH.
3. Horr Amili, Muhammad bin Hasan, Vasal al-Shia, Qom, Al-AI-Bayt Institute, 1409 AH.
4. Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali, Savav al-amal va Eghab al-amal, Qom, Dar al-Sharif al-Razi, 1406 AH
5. Ibn Baboyeh, Mohammad Bin Ali, Al-Mali, Tehran, Kitabachi, 1376.
6. Ibn Baboyeh, Muhammad Bin Ali, Ayoun Akhbar al-Reza, Tehran, Jahan, 1378 AH.
7. Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali, Ma'ani al-Akhbar, Qom, Islamic Publications Office, 1403 AH.
8. Imam Reza, Feghh al-Mansoob ela Imam al-Reza, Mashhad, Al-AI-Bait Institute, 1406 AH.
9. Kafami, Ibrahim bin Ali, al-Balad al-Amin, Beyroot, al-Alami institute, 1418 AH.
10. Kafami, Ibrahim bin Ali, al-Masbah, Qom, Dar al-Razi, 1405 AH.
11. Khomeini, Ruhollah, Imam Khomeini's book, Tehran, Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works, 1389.
12. Koleini, Muhammad bin Yaqub, al-Kafi, Tehran, Dar al-Katb al-Islamiya, 1407 AH
13. Laysi, Ali, Oyoon al-hekam, Qum, Dar al-Hadis, 1376.
14. Majlisi, Muhammad Baqir, Behar al-Anvar, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, 1403 AH.
15. Meybodi, Ahmed bin Mohammad, Kashf al-Asrar, Tehran, Amirkabir, 1371.
16. Nasr bin Muzahm, Vagha al-Saffin, Qom, Ayatollah Murashi Najafi school, 1404 AH.
17. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-bayan, Tehran, Nasser Khosro, 1372.
18. Toreyhi, Fakhr al-Din, Montakhab al-Toreyhi, beyroot, al-tarikh al-Arabi Institute, 2007.
19. Tusi, Muhammad bin Hassan, Tahzeeb al-Ahkam, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya, 1407 AH.

Adaptation of the Qur’anic Teaching “Ehda Al-Hosseinyin” on the Spiritual Dual Attitude Towards Illness Based on the View of the Ahl al-Bayt

Mohammad Mostafa Asadi

Abstract

The Holy Qur’an defines a dual outcome for the believers’ jihad in the front of truth, which either leads to victory or martyrdom, and it describes these two as “one of the two virtues” so that there is no negative view of these difficult conditions. The specific question in the current research is that, based on the view of the Ahl al-Bayt, can the Qur’anic idea mentioned in the definition of the floating end of the good be extended and adapted to the condition of the patient? Based on the findings of the comparative analytical method, the Ahl al-Bayt have defined two types of double goodness in two situations: disease leading to health and disease leading to death (with the condition of being a believer). In the first type, the goodness of increasing the ranks of the believer or the goodness of removing the sins of the believer is defined. In the second type, the duality of goodness in death is depicted by freedom from the pain and suffering of the world, or goodness in death by cleansing from sins. As a result, it was found that religious education enlightens the believer patient’s view of his future under any circumstances and eliminates any negativity towards the future. Also, the spiritual effects of the disease in the believer’s view find maximum inclusion in the faith society; Not that only believers who have a high position can achieve it.